

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم‌سال اول ۹۵-۹۴
پایه چهارم ورودی بهمن

مهر مدرسه

ردیف:		
نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مست: ۹۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد آزمون:	۲۹۴۱/۰۸
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۲
عنوان:	نحو عالی ۴
کتاب:	مبانی العربية
مجموعه:	جلد چهارم: از ابتدای مجرورات تا پایان کتاب (ص ۲۲۵-۲۹۹)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علی: شهرتان: استان:

۱- با توجه به احکام «إضافة» استعمال نادرست را معین کنید. ص ۳۱۴

- الف. أنت مُکرم غلام الامیر
- ب. الفاتح دمشق ابو عبیده
- ج. الساکنو بیروت أمنون
- د. أنت المتبع الحق

۰/۵

۲- با توجه به احکام «نعت و منعت» گزینه صحیح را معین کنید. ص ۳۳۰

- الف. جاءنی امرءة فضلی من هند
- ب. جاءنی امرءة فاضلة ابوه
- ج. رأیت امرءة کریم النسب
- د. رأیت امرءة صبوراً

۰/۵

۳- عبارت (إيراد اللفظ المسموع على هيئة من غير تغيير أو إيراد صفته نحو «من زيدا» اذا قيل رأيت زيدا) تعریف کدام عنوان است؟ ص ۳۵۱

- الف. اختصاص
- ب. عطف بیان
- ج. حکایت
- د. نعت

۰/۵

۴- مدخول «واو» قسم منحصر در کدام یک از موارد زیر است؟ ص ۳۷۱

- الف. لفظ جلاله
- ب. کلمه «ربی»
- ج. اسم ظاهر
- د. ضمائر

۰/۵

۵- نقش «یتیم» در آیه شریفه «فأما الیتیم فلا تَقهر» چیست؟ ص ۳۹۲

- الف. مفعول به برای فعل محذوف
- ب. مفعول به برای «فلا تَقهر»
- ج. مفعول له
- د. مبتدا

۰/۵

۶- کدام جمله دارای «محلّ اعرابی» است؟ ص ۴۰۶ و ۴۰۷

- الف. حالیه
- ب. مفسره
- ج. ابتدائیه
- د. صله

۰/۵

۷- متعلق «جارّ و مجرور» معین شده در عبارت‌های زیر را بنویسید. ص ۳۰۰ و ۳۰۱ - ۲ نمره

الف) «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُوراً»: جواب: متعلق به فعل عام محذوف (مانند یکون)، «للاّوابین» متعلق به «غفوراً»

ب) هذا شجاع في بيته و جبان في الحرب: جواب: متعلق به جبان

ج) ما جاءني من أحد: جواب: متعلق ندارد. (زائده است)

۲

۸- مقصود از اسماء «متوغلة فی الابهام» چیست؟ سه مورد از آنها را نام ببرید. ص ۳۰۸ - ۱/۵ نمره

جواب: مقصود اسمائی هستند که نکره بوده و حتی با وجود اضافه شدن به معارف نیز معرفه نمی‌شوند. مانند: «سوی - غیر - شبه - مثل»

۹- با توجه به آیه شریفه «و فوق کلّ ذی علمِ علیم» به موارد زیر پاسخ دهید. ص ۳۲۲ - ۲ نمره

الف) نقش کلمات معین شده را بنویسید. جواب: «ذی»: مضاف‌إلیه - «علیم»: مبتدای مؤخر

ب) متعلق «فوق» چیست؟ جواب: متعلق به کائن (یا موجود) محذوف

ج) آیا اضافه «فوق کل» لفظیه است؟ چرا؟ جواب: خیر، زیرا «فوق» وصف نیست که به معمولش اضافه شده باشد.

۱۰- عبارت (التوكید المعنوی هو الذی یرفع احتمال متعلقات ما قبله مما یمکن أن یضاف إلى المتبوع نحو «جاء الامیر نفسه» أو یرفع إرادة

الخصوص بما ظاهره العموم نحو «جاء القوم كله») را در قالب مثال‌های داده شده به طور کامل توضیح دهید. ص ۳۳۵ - ۲ نمره

جواب: توكید معنوی دو فائده دارد. یا احتمال اینکه قبل از متبوع مضافی در تقدیر باشد را رفع می‌کند. مثلاً در «جاء الامیر نفسه» قبل از آمدن تأکید احتمال می‌رود

که قبل از «امیر» چیزی در تقدیر باشد مثلاً غلام امیر آمده است ولی با ذکر شدن نفسه معلوم می‌شود که خود امیر آمده است و یا احتمال اینکه از لفظ عام معنای

خاصی اراده شده باشد را رفع می‌کند مثلاً در «جاء القوم» احتمال می‌رود که همه افراد قوم نیامده باشند بلکه برخی از آنها آمده باشند که آمدن لفظ «کل» احتمال

آمدن بعض را رفع می‌کند.

۱۱- نوع «بدل» را در جملات زیر بنویسید. ص ۳۳۹ - ۲ نمره

الف) أكرمتُ زیداً أخاك: جواب: بدل كلّ

ب) قبّلتُ زیداً یدّه: جواب: بدل بعض

ج) أعجبتُ زیداً جماله: جواب: بدل اشمال

د) حبیبی قمر شمس: جواب: بدل مابین

۱۲- چرا «عطف» در مثال‌های زیر صحیح نیست؟ ص ۳۴۶ - ۲ نمره

الف) نصرتُ و أخوك: جواب: زیرا عطف اسم ظاهر بر ضمیر متصل مرفوعی صحیح نیست (مگر آن که میان معطوف و معطوف‌علیه فاصله شود و یا این که

معطوف‌علیه بواسطه ضمیر منفصل مرفوعی تأکید شود).

ب) رغبتُ فی زید و حدیثه: جواب: زیرا در عطف به ضمیر مجروری إعادة عامل لازم است.

۱۳- معنای «من» را در مثال‌های زیر بنویسید. ص ۳۶۱ و ۳۶۲ - ۲ نمره

الف) من الانبیاء من کلم الله له: جواب: تبعیض (بعض)

ب) عندی أساور من ذهب: جواب: جنس

ج) هل رأیت من رجل: جواب: زائده

د) ذهبتُ من البصرة إلى الكوفة: جواب: ابتدای غایت

۱۴- معنای اصلی «حروف عطف» زیر را بنویسید. ص ۳۷۵ و ۳۷۶ - ۲ نمره

الف) «واو»: جواب: مطلق جمع میان متعاطفین

ب) «فاء»: جواب: ترتیب و تعقیب

ج) «ثم»: جواب: ترتیب منفصل (ترتیب با مهلت)

د) «حتى»: جواب: تدریج

۱۵- شرائط سه گانه «أن تفسیریه» را بنویسید. ص ۳۹۶ - ۱/۵ نمره

جواب: ۱. میان دو جمله واقع شود. ۲. جمله اول دارای معنای قول باشد نه لفظ قول. ۳. حرف جر بر آن داخل نشود.